

Bi-quarterly Journal of Quran and Hadith Studies

Vol. 17, No. 2, (Serial. 34), Summer 2024

 10.30497/qhs.2024.245414.3871

Rereading the Translation of the Article "Qanata", based on the Explanation of its Distinction with the "Ya's" with a Focus on New Semantic Data

AmirHossein Hossein Zadeh Ivary *

Received: 20/08/2023

MohammadHossein Akhvan Tabasi **

Accepted: 21/01/2024

Abstract

The Holy Qur'an is the main source of the Islamic religion, and for this reason, Muslims have been trying to understand it for a long time. The important point here is that non-Arabic speaking Muslims were forced to use translations of the Holy Quran due to their language barrier. The problem here is that in some cases, translation does not have the possibility of transferring the entire concept to the target language, therefore, the general translations of the Holy Quran are facing some inadequacies. One of the topics mentioned in the Holy Quran is despair. In the Holy Qur'an, two articles "Qanat" and "Ya's" are used to refer to this issue, which naturally have distinctions based on the principle of divine wisdom and the linguistic principle of linguistic economy, while in the Persian translations below these two words are equivalent "Disappointment" is used. In this research, we intend to answer this question through library studies and the use of semantic methods, what is the difference in meaning between the two words "qanat" and "Ya's" and what new equivalent can be suggested for them? It should be noted that despite the great importance of this question, no such research has been conducted so far. From the results of the present study, it is also possible to suggest the translation of "disappointment-turning back" for the subject of Qant and assigning the equivalent of "disappointment" to the subject of despair.

Keywords: *Holy Qur'an, despair, hopelessness, Qant, semantics.*

* Master's degree in Qur'anic and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Islamic Studies and Guidance, Imam Sadiq University (AS), Tehran, Iran. (Responsible Author)

ah.hoseinzade@isu.ac.ir

** PhD in Quran and Hadith Sciences, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

mhat.isu@gmail.com



http://qhs.isu.ac.ir

دوفصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث»، سال ۱۷، شماره ۲، پیاپی ۳۴

بهار و تابستان ۱۴۰۳، صص ۲۳-۱

مقاله علمی - پژوهشی

10.30497/qhs.2024.245414.3871

بازخوانی ترجمه ماده «قنط» براساس تبیین تمایز آن با ماده «یأس» با تمرکز بر داده‌های نوین معناشناختی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۳
مقاله برای اصلاح به مدت ۱۲ روز نزد نویسندگان بوده است.

امیرحسین حسین زاده ایوری*
محمدحسین اخوان طبسی**

چکیده

قرآن کریم منبع اصلی دین اسلام است و به همین سبب عموم مسلمانان از دیرباز در تکاپوی فهم آن بوده‌اند. نکته مهم اینجاست که مسلمانان غیر عرب زبان، به جهت مانع زبانی که داشتند مجبور به استفاده از ترجمه‌های قرآن کریم بودند. مسئله اینجاست که امر ترجمه در برخی موارد امکان انتقال تمامی مفهوم به زبان مقصد را ندارد، از این رو عموم ترجمه‌های قرآن کریم با برخی نارسایی‌ها مواجه هستند. یکی از موضوعاتی که در قرآن کریم بدان اشاره شده، ناامیدی است. در قرآن کریم دو ماده «قنط» و «یأس» برای اشاره به این موضوع استفاده شده‌اند، که طبعاً براساس اصل حکمت الهی و اصل زبانشناختی اقتصاد زبانی، تمایزاتی باهم دارند حال آنکه در ترجمه‌های فارسی ذیل این دو واژه از معادل «ناامید شدن» استفاده شده است. در این پژوهش برآنیم تا از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و استفاده از روش‌های معناشناختی به این پرسش پاسخ دهیم که تمایز معنایی میان دو واژه «قنط» و «یأس» چیست و چه معادل جدیدی می‌توان برای آنها پیشنهاد نمود؟ لازم به ذکر است که علی‌رغم اهمیت والا این پرسش تاکنون چنین پژوهشی انجام نشده است. از نتایج پژوهش حاضر نیز می‌توان به پیشنهاد ترجمه «سرخوردگی- پشت کردن» برای ماده قنط و اختصاص معادل «ناامید شدن» به ماده یأس اشاره کرد.

واژگان کلیدی

قرآن کریم، ناامیدی، یأس، قنط، معناشناسی.

* دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران ایران. (نویسنده مسئول)

ah.hoseinzade@isu.ac.ir

** دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. mhat.isu@gmail.com

طرح مسئله

قرآن کریم منبع اصلی دین مسلمانان است که از دیرباز تاکنون مورد توجه ایشان بوده، براین اساس مسأله فهم این اثر از مهترین دغدغه‌های فکری هر مسلمانی است. نکته مهم آنکه قرآن کریم به زبان عربی نازل شده حال آنکه مخاطبان آن (یعنی مسلمانان جهان) الزاماً عرب زبان نیستند بلکه، خصوصاً پس از جنگ‌های موسوم به فتوح، دامنه آن بسیار فراتر رفته و افراد با زبان‌های مختلفی در معرض ارتباط با این کتاب قرار گرفته‌اند. مسأله ترجمه یکی از راه‌حل‌های مهم برای مرتفع این اختلاف میان دو زبان است. یکی از اقوامی بودند که با این چالش روبرو بودند، فارسی‌زبانان‌اند. از این جهت نخستین بار عصر امیر منصور سامانی (حک ۳۳۵ - ۳۶۶ق) نخستین ترجمه قرآن کریم که به ترجمه تفسیر طبری مشهور است منتشر گردید. از همان دوران به بعد در دوره‌های مختلف ترجمه‌هایی از قرآن کریم به زبان فارسی ارائه می‌شد تا آنکه در سده معاصر شاهد ده‌ها ترجمه به سبک‌های مختلف از قرآن کریم هستیم (پاکتچی، ۱۳۹۲ش، ص ۶۳).

نکته مهم آنکه در این جایگاهی مفهومی از یک زبان به زبان دیگر، به سبب محدودیت‌های زبان‌های مختلف ممکن است برخی نارسایی‌ها ملاحظه شود؛ به عبارت دیگر زبان عربی، زبانی بسیار گسترده است که واژگان مختلف با ظرافت‌های معنایی متفاوت است، با این تفاسیر ممکن است که واژه‌ای در این انتقال زبانی، برخی از ظرافت‌های معنایی‌اش مورد توجه قرار نگیرد به صورت کلی ترجمه شود؛ حال آنکه بخشی از مراد الهی از بکار بردن آن واژه فراموش شود. حوزه معنایی ناامیدی یکی از موضوعاتی است که در قرآن کریم بدان توجه شده و با اصطلاحات مختلفی از آن تعبیر شده است. دو ماده «قنط» و «یأس» از مهمترین اصطلاحات قرآنی در این حوزه هستند. نکته مهم آنکه پس از بررسی‌ها مشخص شد که مترجمان قرآن کریم به زبان فارسی، از ترجمه موسوم به ترجمه تفسیر طبری تا ترجمه‌های دوران معاصر شاهد یکی انگاشتن این دو واژه هستیم، حال آنکه با توجه به اصل حکمت الهی (از آن جهت که خداوند متعال حکیم است پس رفتار بیهوده نمی‌کند و تمامی کارهایش دلیل دارد. اگر در قرآن کریم، که کلام خداوند متعال است، شاهد استفاده از واژگان مختلف در یک حوزه معنایی هستیم که به اصطلاح مترادف یکدیگر هستند، قطعاً با ظرافت‌های معنایی خاصی از یکدیگر متمایز شده‌اند و گرنه این عبث به نظر می‌رسد که خداوند حکیم دو واژه مختلف را برای یک معنایی واحد استفاده کرده باشد.



منظور از اصل اقتصاد زبانی آن است که زبان عادت دارد تا منظور خود را با استفاده از حداقل سازه‌های زبانی منظور خود را به شنونده برساند به نحوی که حداکثر پیام را دریافت نماید، در واقع متکلم تمایل دارد تا با کمترین تلاش فکری، بیشترین مفهوم را به شنونده منتقل نماید. به عبارت دیگر زبان در تولید واژگان بسیار اقتصادی عمل نموده و تا زمانی که الزامی نباشد اقدام به این کار نمی‌کند و با این حساب اگر در یک حوزه معنایی شاهد تعدد واژگان هستیم، قطعاً میان آنها ظرافت‌های معنای وجود دارد که موجب تمایزشان می‌گردد؛ هرچند که در بدو امر این ظرافت‌های معنایی واضح نباشند (بلاوی و ماهوزی، ۱۳۹۸ش، ص ۵). وضع دو واژه با معنای یکسان امری عبث به نظر می‌رسد. در ادامه ترجمه‌ی برخی از آیات که از دو ماده قنط و یأس در آنها بکار رفته ارائه خواهد شد.

۱. «یأس» و «قنط» در آیینه ترجمه‌های قرآن کریم

همان‌طور که از نظر گذشت، انتقال مفاهیم از یک زبان به زبانی دیگر ممکن است با نارسایی‌هایی در زبان مقصد مواجه شود. از این جهت در ادامه با تمرکز بر دو ماده قنط و یأس، از هرکدام به ترتیب سه کاربرد نخستین آنها در قرآن کریم بررسی خواهند شد.

نکته مهم آنکه از میان انبوه ترجمه‌های قرآن کریم سعی شد تا تنوع آنها در طول تاریخ حفظ شود تا از این طریق برداشت‌های مترجمان در طول زمان مورد توجه قرار گیرد (که می‌تواند حاکی از تلقی عموم مردم در خصوص معنای واژگان مختلف باشد)، از ترجمه‌های معاصر نیز دو عدد از تأثیرگذارترین آنها برگزیده شد که در میان ترجمه‌های معاصر قرآن کریم موفق ظاهر شده‌اند؛ از این جهت در مجموع شش ترجمه برگزیده شد که چهار مورد آن مربوط به قرون مختلف گذشته است و دو مورد نیز مربوط به عصر حاضر است.

۱-۱. «یأس» نزد مترجمان قرآن کریم

ماده «یأس» ۱۳ مرتبه ذیل ۱۱ آیه از قرآن کریم بکار رفته است (عبدالباقی، ۱۳۶۴ق، ص ۷۶۹). در جدول ذیل ترجمه سه کاربرد این ماده در قرآن کریم ذکر شده است. این سه آیه براساس چینش مصحف کنونی، به ترتیب نخستین آیاتی‌اند که ماده یأس در آنها بکار رفته است:

آیه	طبری	کشف الاسرار	نسفی	روض الجنان	فولادوند	صفوی
مائده: ۳	نومید شوند	نومید شدند	نومید شدند	ناامید شدند	نومید گردیده‌اند	ناامید گشته‌اند
هود: ۹	نومید	نومید است	نومیدی نماید در شدت	نومید شود	نومید	ناامید
یوسف: ۸۷	مه نومید شوید نه نومید شود	نومید مباشید نومید نبود	نومید نشویت نومید نشوند	نومید مشوی نومید نشود	نومید مباشید نومید نمیشود	ناامید نشوید مأیوس نمیشوند

جدول ۱: گزارش ترجمه‌های منتخب ماده یأس

همانطور که ملاحظه می‌شود در طول تاریخ، عموم مترجمان قرآن کریم معادل فارسی که برای این ماده در نظر گرفته‌اند معادل «نا امید شدن» است. پس از آنکه ترجمه این ماده ارائه شد در ادامه ترجمه قنط در قرآن کریم ذکر می‌گردد.

۱-۲. «قنط» نزد مترجمان

ماده قنط در قرآن کریم ۶ مرتبه ذیل آیه ۶ بکار رفته است (عبدالباقی، ۱۳۶۴ق، ص ۵۵۳). از آنجایی که دو آیه ۵۵ و ۵۶ سوره حجر به دنبال یکدیگر ذکر شده‌اند، هردوی آنها یک آیه در نظر گرفته شده‌اند:

آیه	طبری	کشف الاسرار	روض الجنان	نسفی	فولادوند	صفوی
حجر: ۵۵ و ۵۶	نومیدان نومید شود	نومیدان نومید بود	نومیدان نومید شود	نومیدان نومید کی شود	نومیدان نومید میشود	نومیدان نومید میشود
روم: ۳۶	نومید شوند	نومید میباشند	نومید گردند	نومید میشوند	نومید میشوند	نومید میشوند



نامید شوید	نومید مشوید	نومید مشویت	نومید مشوی	نومید مباشید	مه نا اومید باشید	زمر: ۵۳
------------	-------------	----------------	---------------	-----------------	----------------------	---------

جدول ۲: گزارش ترجمه‌های منتخب ماده قنط

همانطور که ملاحظه شد، همچون کاربردهای ماده یأس در قرآن کریم، عموم مترجمان ذیل این ماده نیز از مشتقات مختلف «نا امید شدن» استفاده کرده‌اند. همانطور که ذکر شد اینکه خداوند متعال دو واژه مختلف اما با معنای یکسان را وضع نماید اولاً با حکمت الهی سازگار نیست و درثانی با اصل اقتصاد زبانی نیز همخوانی ندارد، از این جهت به نظر می‌رسد برخی نارسایی‌ها در فرایند ترجمه رخ داده باشد. در ادامه به منظور واضح تر شدن معنای این دو ماده در زبان عربی به لغتنامه‌های این زبان مراجعه می‌گردد تا مگر از این رهگذر تفاوتی مشخص میان این دو واژه حاصل شود.

۲. «یأس» و «قنط» در آیین لغت

برای بررسی معنای لغوی دو ماده قنط و یأس در زبان عربی به لغتنامه‌های این زبان مراجعه خواهد شد. نکته مهم آنکه از آنجا که دوره زمانی مورد مطالعه ما عصر نزول قرآن کریم است، هرچه زمان نگارش لغتنامه‌ها به آن دوران نزدیک‌تر باشند، معنای دقیق‌تری ارائه خواهند کرد، از این جهت دو ماده فوق، از قدیمی‌ترین لغتنامه (العین خلیل بن احمد فراهیدی) تا مفردات راغب اصفهانی را مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۲-۱. «یأس» نزد لغت پژوهان

لغویان ذیل ماده یأس دو نکته مهم را گوشزد کرده‌اند. نخست آنکه معنای اصلی این ماده را به صورت «الیأس: نقيض الرجاء» صورتبندی نموده و آن را معادل نداشتن امید دانسته‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۳۳۰؛ ابن درید، ۱۹۸۸م، ج ۱، ص ۲۳۸؛ ابن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۴۲۰). همچنین برخی همچون جوهری با ارائه تساوی «الیأس: القنوط» این دو واژه را معادل یکدیگر دانسته‌اند (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۳، ص ۹۹۲). نکته دوم آنکه، ذیل این ماده متأثر از آیه ۳۱ سوره رعد: «أَفَلَمْ يَيْئَسِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهْدَى النَّاسَ جَمِيعًا» به مؤلفه‌ی معنایی دیگری اشاره می‌کنند. در این آیه معنای ماده یأس برابر دانستن و فهمیدن تلقی شده است. ازهری به نقل از فرآء مطرح می‌کند که مفسران این کاربرد را معادل دانستن و فهمیدن تلقی

کرده‌اند، همچنین فرآء سخنی از ابن عباس را مطرح می‌دارد که براساس آن صرفاً در قبیله نخع این معنا متداول است و در دیگر نقاط عرب چنین معنایی مطرح نیست (سلام، ۱۹۹۰م، ج ۱، ص ۳۶۸؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۳۳۰؛ ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱۳، ص ۹۷).

این دو معنا تا بدانجا پیش رفت که ابن فارس در معجم مقاییس اللغة خویش ذیل ماده یأس، دو معنای اصلی در نظر می‌گیرد: الف) قطع الرجاء؛ ب) علم. در مقابل، راغب اصفهانی اینگونه تحلیل نموده است که در این آیه سخن از علم و دانایی به میان آمده که برخاسته از یأس و نومیدی است، در واقع او تلاش نموده تا این تمایز میان دو معنا را توجه نماید و آن دو را، یکی در نظر بگیرد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۹۲). نکته مهم ذیل این ماده سردرگمی لغویان در تحلیل ارتباط این ماده با ریشه «یأس» است، به نحوی که خلیل بن احمد فراهیدی اساساً ذیل مدخل یأس در خصوص ماده یأس مطالب خود را ارائه می‌دهد. این پیچیدگی در سده‌های بعدی هم ادامه می‌یابد تا آنجا که ابن سیده در المحکم و المحيط الاعظم خود، این دو ماده را پشت سر هم ذکر کرده و مقلوب یکدیگر خوانده و معانی آن دو را مرتبط دانسته است (ابن سیده، ۱۴۱۲ق، ج ۸، ص ۶۳۲). در ادامه تحلیل لغوی ماده قنط در زبان عربی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲-۲. «قنط» نزد لغت پژوهان

عموم لغویان در تحلیل ماده قنط به ذکر یک عبارت بسنده کرده‌اند. ایشان ذیل این ماده از تساوی «القنوط: الإیاس» استفاده کرده‌اند، به عبارت دیگر عموم لغویان ماده قنط را معادل یأس دانسته‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۱۰۵؛ ابن درید، ۱۹۸۸ق، ج ۲، ص ۹۲۴؛ جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۳، ص ۱۱۵؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۳۲). تعدادی از لغویان با یاری گرفتن از آیات قرآن کریم، تساوی بسیار ساده پیشین را قدری ارتقاء داده و آن را اینگونه صورتبندی کرده‌اند: «القنوط: الیأس من الخیر»، به عبارت دیگر معنای ماده قنط را معادل ناامیدی از خیر و خوبی دانسته‌اند (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۹، ص ۲۵؛ ابن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۳۲۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۸۵). ابوهلال عسکری در کتاب الفروق فی اللغة خویش، قنوط را معادل یأس شدید دانسته، به عبارت دیگر براساس تحلیل ابوهلال، عرب زبانان، حالت ناامیدی شدید را معادل قنوط می‌دانند: «القنوط أشد مبالغه من الیأس» (ابوهلال عسکری، ۱۴۰۰ق، ص ۲۴۰).



همانطور که ملاحظه شد عموم لغویان دو ماده قنط و یأس را بدون آنکه به تبیین تفاوت‌های ظریف معنایی میان آنها پردازند، معادل یک دیگر دانسته و به سرعت از آنها عبور کرده‌اند. مخصوصاً ذیل ماده قنط علاوه بر آنکه مطالب بسیار اندکی ارائه شده بود، صرفاً با ذکر تساوی آن با یأس تنها از نامفهومی آن نکاستند بلکه مخاطب را در سردرگمی بیشتری رها کردند.

۲-۳. پرسش‌های پژوهش

عالمان علم لغت زبان عربی، در تحلیل تفاوت میان قنط و یأس تلاش مناسبی انجام نداده‌اند از این جهت مترجمان قرآن کریم نیز در ترجمه‌هایی که از این دو واژه ارائه نموده‌اند نتوانسته‌اند به خوبی این تمایز را تبیین نمایند. از این جهت در این پژوهش بنا بر آن است تا با یاری گرفتن از دانش زبان‌شناسی، به خصوص معناشناسی ساختگرا (منظور از معناشناسی ساختگرا آن رویکردی از دانش معناشناسی است که سوسور آن را بنیان نهاد و رویکرد همزمانی نسبت به معنا دارد. در این رویکرد متن به عنوان یک ساختار در نظر گرفته می‌شود و براساس قواعد همنشینی و جانشینی به تبیین معنای الفاظ مختلف در متن می‌پردازد. (قاسم پور و سلمان نژاد، ۱۳۹۱ش، ص ۱۰۵)، معناشناسی تاریخی و ریشه‌شناسی، به این پرسش پاسخ دهیم که میان قنط و یأس چه تفاوت‌هایی وجود دارد؟

نکته مهم آنکه علی رغم اهمیت بسیار این پرسش، تاکنون پژوهشی درخصوص آن صورت نگرفته است و این پژوهش در نوع خود بی سابقه است. از این جهت در ادامه نخست براساس دانش معناشناسی تاریخی و تکنیک‌های ریشه‌شناسی زبان‌های سامی، تغییرات معنایی این دو ماده را بررسی کرده و سپس با استفاده از معناشناسی ساختگرا، کاربردهای قرآنی آن را مورد تحلیل قرار داده و نهایتاً پیشنهادی به عنوان نتیجه مباحث برای ترجمه این دو واژه ارائه می‌شود.

۳. تحلیل ریشه‌شناختی «قنط» و «یأس» در حوزه زبان‌های سامی

براساس اظهارات زبان‌شناسان حوزه زبان‌های سامی، زبان عربی از ابتدای شکل‌گیری تا به امروز پنج مرحله را پشت سر گذرانده است که به ترتیب عبارتند از: عربی باستان، عربی کهن (پیشاقرآنی)، عربی قرآنی (متقدم)، عربی مدرسی و عربی مدرن (پاکتیچی و افراشی، ۱۳۹۹ش، صص ۹۰-۹۲). نکته آنجاست که داده‌های لغتنامه‌های زبان عربی، صرفاً محدود در دو دوره پایانی زبان عربی هستند. نکته دیگر آنکه از مراحل پیشین زبان عربی منبع مکتوبی در دسترس

نیست، به عبارت دیگر به عنوان مثال برای دست‌یابی به زبان عربی قرآنی باید به منبعی از همان عصر مراجعه شود، حال آنکه تنها بازمانده از آن زبان همین قرآن کریم است و لغتنامه‌ای از زبان عربی قرآن در دسترس نیست تا بتوان با کمک آن مولفه‌های معنایی واژگان قرآنی را تحلیل نمود از این جهت نیازمند به استفاده از رویکردهای زبان‌شناسی تاریخی و خصوصاً دانش ریشه‌شناسی هستیم تا معانی واژگان این دوره را بدست آید.

دانش ریشه‌شناسی به مثابه بخشی از زبان‌شناسی با رویکرد تاریخی، به مطالعه تغییرات واژگان در دو جنبه ساخت و معنا در تاریخ حیات آنها می‌پردازد. در واقع با استمداد از ریشه‌شناسی امکان رصد کردن معنا و ساخت یک واژه از دوران باستان تا به امروز و بررسی و تحلیل تغییرات آن را فراهم می‌آورد (پاکتچی و افراشی، ۱۳۹۹ش، ص ۸۵). در ادامه با بکارگیری روش‌های ریشه‌شناسی در یک سیر تاریخی معنای دو ماده قنط و یأس در طول تاریخ مورد واکاوی قرار خواهند گرفت (علاقه‌مندان جهت آشنایی بیشتر با ریشه‌شناسی و زبان‌شناسی تاریخی می‌توانند به اثر مشترک احمد پاکتچی و آریتا افراشی با عنوان «رویکردهای معناشناختی در مطالعات قرآنی» مراجعه نمایند).

۳-۱. «قنط» در آینه ریشه‌شناسی

بر اساس داده‌های منابع موجود در حوزه زبان‌های سامی (جهت آشنایی با تاریخچه زبان‌های سامی و آفروآسیایی می‌توان به فصل دوم از کتاب «رویکردهای معناشناختی در مطالعات قرآنی» مراجعه نمود)، تغییرات معنایی و لفظی این ماده در طول تاریخ به صورت ذیل است:

۳-۱-۱. آفروآسیایی و سامی باستان

به گزارش دالگوپولسکی در میان زبان‌های سامی مرکزی (عبری، سریانی و عربی) شاهد وجود ریشه «قنط» (knt) هستیم. معنایی که ذیل این ماده پیشنهاد شده است برابر عصبانی بودن و ناامید بودن (be angry, be in despair) است (Dolgopolsky, 2012, pp1163)؛ البته شاهد همین معانی ذیل زبان‌های سامی هستیم (رک: بخش بعدی).

در مورد بن ثنایی این ماده ذکر این نکته ضروری است که به سبب کمبود داده‌ها، نمی‌توان به طور یقینی اظهار نظر نمود اما با توجه به جستجوهای به عمل آمده اینگونه به نظر می‌رسد که



ماده ثنایی «قَط» به معنای بریدن^۲ مربوط به همین ریشه قنط در زبان‌های سامی مرکزی باشد (Eheret, 1995, p240; Orel & Stolbova, 1995, p339). همانطور که بیان شد اظهار نظر درخصوص این ریشه ثنایی قطعی نبوده و براساس حدس است به‌ویژه آنکه معنای میان‌ساز «ن» که ریشه ثنایی قط را تبدیل به ریشه ثلاثی قنط می‌کند ناشناخته است. اما با این وجود از آنجایی که معنای بریدن در زبان آرامی نیز وجود دارد، مؤید خوبی برای تقویت این فرضیه است.

۳-۱-۲. زبان‌های سامی

پس از آنکه در دو زبان باستانی آفروآسیایی و سامی باستان، ماده قنط رهگیری شد اینک به بررسی ماده قنط در سطح خانواده زبان‌های سامی اشاره خواهد شد. نکته مهم آنکه پس از بررسی حوزه‌های شرقی، جنوبی، شمالی و غربی زبان‌های سامی صرفاً در زبان‌های ذیل شاهد کاربرد این ماده هستیم و عدم ذکر دیگر زبان‌ها دال بر آن است که پس از جستجو در فرهنگ‌های مربوطه، شاهی برای پژوهش حاضر یافت نشد.

الف) عبری: به گزارش کلاین در فرهنگ واژگان عبری جدید خود، ریشه قنط^۳ مشاهده می‌شود. در این فرهنگ معانی «رنجاندن»، «آزارداد، رنجاندن» و «عصبانی کردن»^۴ ذیل این ریشه در نظر گرفته شده است (klein, 1987, p584).

ب) آرامی: در زبان آرامی دو کاربردی برای ماده قنط گزارش شده است: نخست صورت «قَانَط» است که برای آن دو معنای «بریدن»^۵ و «پشت کردن و رفتن»^۶ در نظر گرفته شده است. صورت دوم این ماده برابر «قَطَط»^۷ است و معنای «بیزار و متنفر بودن»^۸ برای آن گزارش داده شده است (Jastrow, 1903, p1389).

^۱ بنابر فرهنگ اورل و استولبوا : kuḷkaṭ ؛ و براساس فرهنگ اهرت kaṭ

^۲To cut

^۳קט

^۴To annoy

^۵vex

^۶make angry

^۷קטט

^۸To cut

^۹To shrink from

^{۱۰}קטט

^{۱۱}To loathe

ج) **سریانی**: پژوهشگران زبان سریانی نیز وجود ریشه قنط در این زبان را گزارش کرده‌اند. صورت سریانی این ماده برابر «قنط» بوده که دو معنای «ترساندن» و «پشت کردن و رفت» می‌دهد (PayneSmith, 1957, p510).

۳-۱-۴. تحلیل و جمع‌بندی

براساس داده‌های گردآوری شده به نظر می‌رسد که تاریخ‌گذاری معانی ماده قنط به صورت ذیل باشد: [بریدن < پشت کردن و رفتن < احساسات مختلفی که برخاسته از این پشت کردن هستند همچون عصبانیت، تفر و ...]

در این میان معنای ریشه عربی قنط به نظر می‌رسد که ذیل معنای محوری پشت کردن و رفت معنا شود؛ به عبارت دیگر قنط معنای ناامیدی دارد اما گونه‌ای خاص از ناامیدی. هنگامی که فردی انتظار دریافت چیزی خوب از شخصی بزرگ مرتبه را دارد، اما آن انتظار وی اجرایی نمی‌شود شخص از رسیدن به آن چیز خوب ناامید می‌شود (قنط). در واقع قنط ناامیدی حاصل شده پس از انتظار داشتن و امیدواری است. در بخش تحلیل قرآنی مؤیدهایی برای اثبات این معنا ارائه خواهد شد. یک نمونه برای گونه‌شناسی ساخت معنایی مشابه «قنط» که از الگوی [بریدن < پشت کردن] پیروی می‌کند، اصطلاحی فارسی به صورت «بریدم ازت» هست. فارسی‌زبانان هنگامی که قصد دارند دل‌کنند و پشت کردن نسبت به کسی یا چیزی را مطرح کنند از این اصطلاح استفاده می‌کنند حال آنکه معنای لغوی آن برابر قطع کردن و بریدن است.

۳-۲. «یأس» در آیین ریشه‌شناسی

پس از آشنایی با معنای تاریخی ماده قنط و ارائه تاریخ‌گذاری پیشنهادی برای آن ریشه، در ادامه به ریشه یأس خواهیم پرداخت.

۳-۲-۱. آفروآسیایی و سامی باستان

به سبب پیچیدگی‌های موجود در ریشه یأس و کمبود داده‌ها در زبان‌های سامی، امکان ارائه ریشه‌شناسی و معنایی دقیق برای این ماده در سطح آفروآسیایی میسر نیست. اما در سطح زبان‌های سامی



مرکزی و درنهایت سامی باستان، باتوجه به کاربردهای این ماده در زبان‌های عبری، آرامی و عربی می‌توان اینگونه اظهار نظر کرد که احتمالاً ریشه ماده یأس در سطح زبان سامی باستان باید به‌صورت «یأش» و با معنای مطلق ناامیدی باشد، درواقع علی‌رغم آنکه سامی پژوهان از اظهار نظر در این زمینه خودداری کرده‌اند اما باتوجه به داده‌ها می‌توان این ریشه را به‌صورت فوق بازسازی کرد. طبعاً برای رسیدن پاسخی به این سوال نیاز به انجام پژوهشی مجزا دارد که آن را به وهله‌ای دیگر موکول می‌گردد. در ادامه کاربردهای این ماده در سطح زبان‌های سامی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲-۲-۳. زبان‌های سامی

نکته مهم آنکه کاربردهای ماده یأس در زبان‌های سامی علاوه بر زبان عربی منحصر در دو زبان عبری و آرامی هست. در ادامه کاربردهای این ماده ذیل این دو زبان ارائه خواهد شد. نکته مهم آنکه پس از بررسی حوزه‌های شرقی، جنوبی، شمالی و غربی زبان‌های سامی صرفاً در زبان‌های ذیل شاهد کاربست این ماده هستیم و عدم ذکر دیگر زبان‌ها دال بر آن است که پس از جستجو در فرهنگ‌های مربوطه، شهادی برای پژوهش حاضر یافت نشد.

الف) عبری: در زبان عبری شاهد صورت ثلاثی «یائیش» به معنای «ناامیدی و بی‌انگیزگی» هستیم (Gesenius, 1939, p384).

ب) آرامی: زبان آرامی دو ماده «یؤوش»^۱ و «بیؤوش»^۲ با معنای «ناامیدی از بازیافتن چیزی که از دست رفته»^۳ و «کناره‌گیری کردن»^۴ بکار رفته است. همچنین صورت «یاؤوشا»^۵ نیز با معنای مطلق ناامیدی و بی‌انگیزگی نیز بکار رفته است (Jastrow, 1903, p1389).

۳-۲-۳. تحلیل و جمع‌بندی

باتوجه به داده‌های فوق می‌توان اینگونه جمع‌بندی نمود که ماده یأس با معنای مطلق ناامیدی در زبان‌های سامی، این ماده در زبان عربی نیز معنایی مشابه خواهد داشت.

^۱ despair

^۱ יָאֵשׁ

^۲ despairing of recovering a lost object
^۳ resignation

^۲ יָאֵשׁ

^۳ יָאֵשׁ

^۴ יָאֵשׁ

درواقع از منظر ریشه‌شناختی، تفاوت معنایی میان قنط و یأس در آن است که یأس بر مطلق ناامیدی دلالت می‌کند حال آنکه قنط چنین نیست و همانطور که توضیح داده شد، صرفاً به گونه‌ای خاص از ناامیدی دلالت دارد. در ادامه ذیل تحلیل‌های قرآن این تمایز معنایی واضح‌تر می‌شود.

۴. تحلیل قرآنی دو ماده قنط و یأس براساس معناشناسی ساختگرا

پس از آنکه تحولات معنایی دو ماده فوق در طول تاریخ مشخص گردید، اینک به تحلیل آیات قرآن کریم می‌پردازیم. از این رو نخست با استفاده از روش‌های معناشناسی ساختگرا آیات تجزیه خواهند شد و درگام بعد با توجه به داده‌ها تحلیل آنها انجام خواهد گرفت. از آنجایی که هدف اصلی پژوهش حاضر تحلیل ساختگرایانه واژگان قرآنی نیست، در تعیین همنشین‌ها صرفاً در سطح روابط اصلی مکملی (مبتدا و خبر، فعل و فاعل و مفعول) و اشتدادی و تقابلی توقف می‌شود و تحلیل جزئی‌تر همنشین‌ها به وهله‌ای دیگر موکول می‌شود.

۴-۱. بررسی آیات ماده «قنط» براساس همنشین‌ها

در ادامه نخست در قالب جدول ذیل آیات از منظر ساختگرایانه (روابط مکملی، اشتدادی و تقابلی) مورد تجزیه قرار خواهند گرفت و در ادامه به تحلیل آنها با کمک داده‌های ریشه‌شناسی پرداخته خواهد شد.

کلمه	رابطه	آیه
من رحمه ربّه	مکملی (متعلق-مفعول)	قَالُوا بَشْرْنَاكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُنْ مِّنَ الْقَانِطِينَ (۵۵) قَالَ وَ مَنْ يَقْنُطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ (حجر: ۵۶)
ابراهیم	مکملی (اسم کان-فاعل قنط)	
إلا الضالون	مکملی (فاعل)	
من رحمه الله	مکملی (متعلق-مفعول)	قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنُطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (زمر: ۵۳)
عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ	مکملی (فاعل)	



کلمه	رابطه	آیه
وا (عباد الله)	مکملی (فاعل)	وَ هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَ يَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَ هُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ (شوری: ۲۸)
هم (الناس)	فاعل (مکملی)	وَ إِذَا أَدْفَنَّا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَ إِن تَصْبِهِمْ سَيِّئُهُ بِمَا قَدَّمْتَ أَيْدِيَهُمْ إِذَا هُمْ يَفْتَنُونَ (روم: ۳۶)
یثوس	اشتدادی	لَا يَسْأَمُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ وَ إِن مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَئُوسٌ قَنُوطٌ (فصلت: ۴۹)

جدول ۳: بررسی روابط زوجی واژگان در آیات ماده قنط

همانطور که کاربردهای ماده قنط در آیات فوق مشهود است؛ این ماده ۴ مرتبه به صورت فعل ثلاثی مجرد، یک مرتبه به صورت اسم فاعل و یک مرتبه نیز به صورت صفت مبالغه با وزن فَعُول بکار رفته است. براساس آنچه که در تجزیه نقش‌ها ذکر شد، فاعل‌های این ماده در قرآن کریم به صورت ذیل‌اند:

۱. [عباد] الضالون - حجر: ۵۶
۲. هم (ناس) - روم: ۳۶
۳. وا (عبادی) الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ - زمر: ۵۳
۴. وا (عباد الله) - شوری: ۲۸
۵. ابراهیم - حجر: ۵۵

نکته مهم دیگر آنکه قنط در قرآن کریم، صرفاً یک چیز را به‌عنوان مفعول گرفته که در دو آیه ۵۶ سوره حجر و ۵۳ سوره زمر تکرار شده است؛ مفعول ماده قنط در قرآن کریم «رحمة الله/رب» است. نکته دیگر آنکه مهمترین فاعل ماده قنط در قرآن کریم که بیشترین تکرار را دارد «عباد الله» است. از داده‌های حاصل شده می‌توان اینگونه برداشت کرد که همانطور که در قسمت ریشه‌شناسی تذکر داده شد، قنط ناامیدی پس از امیدواری و انتظار از رسیدن یک چیز خوب به انسان است.

در قرآن کریم واژه قنط تبدیل به یک مفهوم شده است، به عبارت دیگر قنط از سطح معنایی ساده ارتقاء یافته و معنایی خاص با ضمیمه یکسری توضیحات به خود گرفته است. در قرآن کریم قنط در یک رابطه «عبد و رب» فهم می‌شود. همانطور که توضیح داده شد، عباد الله از خداوند متعال تقاضای رحمت داشتند، اما هنگامی که خواسته ایشان اجابت نمی‌شود ناامید شده و به خداوند متعال پشت کرده و از او کناره‌گیری می‌کنند. در این شرایط است که خداوند نسبت به بندگانش بیان می‌کند که از رسیدن رحمت من ناامید مشوید. عباد نیز آن بندگان خالص خداوند هستند که حضرت ابراهیم(ع) یکی از مصادیق بارز آن، همچنین در دیگر کاربردها همچون ۵۶-حجر و ۵۳-زمر و ۲۸-شوری نیز از لفظ عباد استفاده شده و به برخی از عباد که ویژگی خاصی (همچون الضالون یا اسرفوا علی انفسهم) دارند اشاره شده اما قدر مشترک میان تمامی شان آن است که همگی در زمره عباد الله هستند.

در آیات ۵۶ و ۵۷ سوره حجر که ماجرای دادن وعده فرزند به حضرت ابراهیم(ع) است، آن حضرت پس از آنکه از ملائکه عذاب قوم لوط(ع) این بشارت الهی را دریافت نمود با تعجب و ناامیدی اینگونه پاسخ داد: «أَبَشَّرْتُمُونِي عَلَىٰ أَنْ مَسَّنِيَ الْكِبَرُ فَبِمَ تَبَشِّرُونَ» (۵۴:حجر) (نمونه‌ای از تعجب در ترجمه تفسیر نور ذیل این آیه: آیا باینکه پیری به من رسیده، مرا چنین بشارتی می‌دهید؟ پس به چه چیز (عجیبی) بشارت می‌دهید). تو گویی که ابراهیم(ع) پس از تقاضای فرزند از خداوند متعال (آیات ۹۹ و ۱۰۰ سوره صافات) و برآورده نشدن خواسته‌اش در همان زمان، صرفاً در این زمینه از خداوند متعال رویگردان و ناراحت بوده، حالا پس از گذشت چندین سال وقتی با چنین وعده‌ای مواجه می‌شود، متعجبانه برخورد می‌کند، چرا که در آن دورانی که توان جسمی‌اش را دارا بود خداوند متعال فرزندی به او نداد، اکنون که به سبب کهولت سن به صورت طبیعی توان فرزنددار شدن را ندارد، پس از دریافت این بشارت متعجب شده و وضعیت خود را یاد آوری می‌کند (اینکه در زمانی که توانش را داشتم و درخواست کردم، فرزنددار نشدم و از این ماجرا ناامید و ناراحت گردیدم) که سن فرزنددار شدنش گذشته؛ فرشتگان به او یادآوری می‌کنند که نسبت به رحمت الهی ناامید و ناراحت مباش.

در آیه ۴۹ سوره فصلت بیان می‌شود: انسان‌ها همواره به دنبال خواستن امورات خیر و نیکی از پروردگارشان هستند، حال اگر علی‌رغم خواسته ایشان، آسیب و بدی به ایشان وارد شود؛ در آن هنگام است که ناامید می‌شوند (یئوس) و علاوه بر آن به خدای خود پشت کرده و



از او کناره‌گیری می‌کند. در آیه ۳۶ روم نیز مشابه همین معنا ارائه می‌شود، بدین سان که اگر چنانچه علی‌رغم خواسته بنده، امری سوء بدو واصل شود، ناامید شده و از درگاه الهی رویگردان می‌شود. آیه ۲۸ سوره شوری نیز به همین مسئله توجه نموده و تأکید می‌کند که خداوند متعال پس از آنکه بندگان خود را آزموده و آسیب‌هایی بدیشان وارد کرده و در نتیجه آن، بندگان ناامید و رویگردان شدند، در این موقعیت است که رحمتش را نازل کرده و ایشان را به خواسته‌شان می‌رساند.

مجدداً تأکید می‌شود که قنط در قرآن کریم، یک مفهوم است و از سطح معنایی ساده ارتقاء یافته است. این مفهوم در رابطه میان عبد و رب تعریف شده، و به حالتی از ناامیدی پس از امیدواری اشاره دارد، یعنی عبد در انتظار رسیدن به امر نیکی از پروردگار خویش است حال آنکه این خواسته وی اجابت نمی‌شود در این شرایط است که از ماده قنط استفاده می‌شود. درمقابل ماده یأس است که معنای مطلق ناامیدی را می‌رساند. به‌منظور فهم بهتر این مسئله در ادامه تحلیل ساختگرایانه ماده یأس در قرآن کریم مذکور خواهد شد.

۴-۲. تحلیل آیات ماده «یأس» براساس همشین‌ها

همانطور که اشاره گردید ماده «یأس» ۱۳ مرتبه ذیل ۱۱ آیه در قرآن کریم بکار رفته است. تنها ۳ کاربرد آنها صفت مبالغه بر وزن فَعُول (یئوس) است، و دیگر موارد همگی صورت‌های فعلی این ماده هستند که دو مرتبه در باب استفعال (استیأسوا و استیأس) و دیگر موارد به‌صورت ثلاثی مجرد بکار رفته‌اند. در ادامه تجزیه عبارات قرآنی براساس نگاه ساختارگرایانه (تعیین روابط مکملی، اشتدادی و تقابلی) خواهد آمد.

آیه	ارتباط	واژه
... الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ ... (مائده: ۳)	مکملی (فاعل)	الذین کفروا
وَلَئِنْ أَدْخَلْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَيَئُوسٌ كَفُورٌ (هود: ۹)	مکملی (فاعل)	انسان
قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَاعَنَا عِنْدَهُ إِنَّا إِذًا لَظَالِمُونَ فَلَمَّا اسْتِأَسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا قَالَ ... (يوسف: ۸۰)	مکملی (متعلق-مفعول)	منه (بنیامین برادر یوسف)
	مکملی (فاعل)	وا(برادران یوسف)
	مکملی (متعلق-مفعول)	من روح الله

آیه	ارتباط	واژه
یا بَنِي آذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُيَاسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ (يوسف: ۸۷)	مکملی (فاعل)	سوا (برادران یوسف)
	مکملی (متعلق-مفعول)	من روح الله
	مکملی (فاعل)	القوم الکافرین
حَتَّى إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّىَ مِنْ نَشَاءٍ وَلَا يُرَدُّ بِأَسْنَانِ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ (يوسف: ۱۱۰)	مکملی (فاعل)	الرسل
	اشتدادی	ظنوا انهم قد کذبوا
	مکملی (شرط)	جاءهم نصرنا
وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كَلِمَ بِهِ الْمَوْتَى بَلْ لِلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا أَفَلَمْ يَيَّاسَ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهَدَى النَّاسَ جَمِيعًا وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُمْ بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِنْ دَارِهِمْ حَتَّى يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ (رعد: ۳۱)	مکملی (فاعل)	الذين آمنوا
و إِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَ نَأَى بِجَانِبِهِ وَ إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يُؤَسًّا (اسراء: ۸۳)	مکملی (فاعل)	انسان
	مکملی (فاعل)	الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ لِقَائِهِ
يَسُّوْا مِنْ رَحْمَتِي وَ أَوْلَيْكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (عنکبوت: ۲۳)	مکملی (مفعول-متعلق)	مِنْ رَحْمَتِي
	مکملی (فاعل)	انسان
لَا يَسْأَلُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ وَ إِن مَسَّهُ الشَّرُّ فَيُؤَسُّ قَنُوطٌ (فصلت: ۴۹)	اشتدادی	قنوط
	مکملی (فاعل)	نساء
وَ اللَّائِي يَتَسَنَّ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ ... (طلاق: ۴)	مکملی (متعلق-مفعول)	من المحيض
	مکملی (فاعل)	قوما غضب الله عليهم
	مکملی (فاعل)	الکفار من اصحاب القبور (الميزان)
يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَسُّوْا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَسُّ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ (ممتحنه: ۱۳)	مکملی (متعلق-مفعول)	من الآخرة

جدول ۴: بررسی روابط زوجی واژگان در آیات ماده یأس



همانطور که ملاحظه شد، ماده یأس در قرآن کریم نسبت به قنط کاربرد بیشتری دارد. آیات یأس از فاعل‌های مختلفی برای این ریشه خبر می‌دهد که به شرح ذیل‌اند:

۱. الذین كفروا - مائده: ۳
۲. الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ - یوسف: ۸۷
۳. الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ لِقَائِهِ - عنكبوت: ۲۳
۴. سوا: قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ (یهود) - ممتحنه: ۱۳
۵. الْكُفَّارُ مِنَ أَصْحَابِ الْقُبُورِ - ممتحنه: ۱۳
۶. انسان - فصلت: ۴۹
۷. انسان - هود: ۹
۸. انسان - اسراء: ۸۳
۹. سوا(برادران یوسف) - یوسف: ۸۰
۱۰. سوا(برادران یوسف) - یوسف: ۸۷
۱۱. الرُّسُلُ - یوسف: ۱۱۰
۱۲. الَّذِينَ آمَنُوا - رعد: ۳۱
۱۳. اللّائِي / من نسائكُم - طلاق: ۴

پس از ملاحظه فاعل‌های متعدد و متنوع یأس در قرآن کریم، مفعول‌های این ماده نیز در ادامه ارائه خواهد شد:

۱. من دینکم - مائده: ۳ (رک: صافی درویش، ۶، ۲۷۴)
۲. منه (از آزاد کردن بنیامین برادر یوسف) - یوسف: ۸۰
۳. مِنْ رَوْحِ اللَّهِ - یوسف: ۸۷
۴. مِنْ رَوْحِ اللَّهِ - یوسف: ۸۷
۵. مِنْ رَحْمَتِي - عنكبوت: ۲۳
۶. من المحيض - طلاق: ۴
۷. مِنَ الْآخِرَةِ - ممتحنه: ۱۳

باتوجه به کاربردهای متعدد ماده یأس در سیاق‌های گوناگون این نکته به نظر می‌رسد که این ماده نزد عرب معنای وسیع‌تری داشته و شناخته شده‌تر بوده است. از طرف دیگر بررسی

فاعل‌ها و مفعول‌های متنوع این ماده حاکی از آن است که در مقابل قنط که یک مفهوم بود و در سیاق‌های خاصی بکار می‌رفت، ریشه یأس اینگونه نبوده و تعلق به سیاق خاصی ندارد بلکه به اصطلاح فنی معناشناختی هنوز تبدیل به مفهوم نشده و در سطح معنا باقی مانده است. به منظور تبیین این مسئله و نشان دادن این تکرار، در ادامه تحلیل آیات یأس در قرآن کریم با تمرکز بر فاعل‌ها و مفعول‌های آنان ذکر خواهد شد.

در آیه ۸۰ سوره طلاق صحبت از احکام شرعی زنان مطلقه است، که در آن سیاق برای زنانی که یائسه شده و دیگر حائض نمی‌شوند از ماده یأس استفاده کرده و صورت «اللَّائِي يَأْسُنَ مِنَ الْمَحِيضِ» بکار رفته است. در آیه ۸۰ یوسف (ع) دو مرتبه ماده یأس بکار رفته است. سیاق آیات از این قرار است که: وقتی سربازان یوسف (ع) جام گمشده وی را در کیسه بنیامین، یکی از فرزندان یعقوب که برای بردن گندم به مصر عزیمت کرده بودند، یافتند بنا بر آن شد تا براساس رسومات خودشان، سارق نزد کسی که از او دزیده شده به غلامی بپردازد. در این هنگام دیگر برادران بنیامین از یوسف (ع) تقاضا کردند تا او را رها سازد اما آن حضرت استنکاف ورزید؛ در نتیجه وقتی سرسختی یوسف بر تصمیمش را دیدند، از پس گرفتن بنیامین نا امید شدند و به راه خود به سوی قومشان ادامه دادند. در آیه ۸۷ همین سوره که ادامه همین ماجراست، حضرت یعقوب (ع) فرزندانش را برای بازپس ستاندن بنیامین به مصر می‌فرستد و به آنها توصیه می‌کند که در این مسیر از امداد و خیررسانی الهی نا امید مشوید. در آیه ۱۱۰ یوسف (ع) نیز خداوند متعال اینگونه اطلاع‌رسانی می‌کند که به سبب آزارهای برخی اقوام، حتی پیامبران نیز ممکن است از هدایت شدن قوم خود نا امید شوند.

در آخرین آیه از سوره ممتحه دو مرتبه از ماده یأس استفاده شده و خطاب به آنهایی که ایمان آورده‌اند توصیه می‌کند از کسانی که مورد غضب الهی هستند و از رستگاری اخروی خود، همچون ناامیدی کفار، نا امید شده‌اند تبعیت نکنند. در آیه ۲۳ عنکبوت نیز شاهد آنیم که کافران نسبت به آیات الهی و روز قیامت نیز از رحمت پروردگارشان ناامید هستند. در بخشی از آیه ۳ مائده که مطابق مشهور، مربوط به ماجرای غدیر خم و اعلام خلافت امیرالمومنین علی (ع) پس از پیامبر اکرم (ص) است؛ خطاب به آن حضرت مطرح می‌دارد که امروز دیگر کافران از نابودی و به انحراف کشاندن دین شما ناامید شده‌اند.



آیه ۴۹ فصلت مشترک میان قنط و یأس است، همانطور که ذیل آیات قنط توضیح داده شد، هنگامی بنده متوجه می‌شود که قرار نیست به آن چیزی که انتظار داشته دست یابد، نخست به سبب این امر ناامید گشته (یأس) و سپس از پرورگار خود رویگردان (قنط) می‌شود. در آیه ۸۳ اسراء نیز اشاره می‌کند که انسان‌ها به‌طور مطلق، هنگامی که بدی و سختی بهشان می‌رسد از رحمت الهی نا امید می‌شوند. در آیه ۹ سوره هود نیز مشابه همین سیاق، بیان می‌شود که اگر به انسان نعمتی عطا شود و سپس همان از او بازستانده شود ناامید شده و حتی به کفر الهی می‌افتد. ذیل آیه ۳۱ رعد مفسران به تکاپو افتاده‌اند؛ همانطور که در بخش تحلیل لغوی بدان اشاره شد، این آیه استثنایی است در میان آیات یأس چراکه این ماده، از معنای معمولی خود خارج شده و برابر دانستن و فهمیدن انگاشته شده است. فراء ذیل این آیه از جانب مفسران صحابه گزارش می‌دهد که ایشان این مورد را برابر «عَلِمَ» دانسته‌اند، همچنین سخنی از ابن عباس روایت می‌کند که او ادعا نموده این تک کاربرد، صرفاً در قبیله نخع استفاده می‌شده و دیگر قبایل عرب از آن استفاده نمی‌کنند (فراء، ۱۴۹۸۰م، ج ۲، ص ۶۳). به نظر می‌رسد که ابن عباس پُر بی‌راه نگفته باشد چراکه در زبان‌های سامی می‌توان این معنا را رهگیری کرد. اهرت در فرهنگ زبان آفروآسیایی باستان خود از معنای دانستن و فهمیدن برای ماده یأس خبر می‌دهد (Eheret, 1995, p447).

همانطور که ملاحظه شده، ماده یأس در قرآن کریم، برخلاف قنط، کاربردهای متنوعی داشته و در سیاق‌های بسیاری استفاده شده است.

نتایج تحقیق

مترجمان قرآن کریم ذیل دو ماده قرآنی «یأس» و «قنط» بدون توجه ظرافت‌های متمایز کننده معنایی میان این دو واژه، نسبت به ترجمه آنها به یک صورت «ناامید شدن» اقدام کرده‌اند. در کنار مترجمان قرآن کریم، لغویان نیز نتوانستند این تمایز معنایی را به‌نحو کامل توضیح دهند و به‌نوعی ذیل این دو ماده به تکاپو افتاده‌اند. براساس همین اشکال در این پژوهش بنا بر آن شد تا با یاری گرفتن از داده‌های زبانشناختی تمایزات میان این دو ماده تبیین شوند.

۱- براساس نتایج بدست آمده از این پژوهش ماده قنط مسیر معنایی [بریدن < پشت کردن و رفتن < احساسات ناشی از این پشت کردن] را طی نموده و در قرآن کریم تبدیل به یک مفهوم شده که در سیاق خاصی بکار می‌رود. ماده قنط در رابطه میان عبد و رب فهم می‌شود. هنگامی

که عبد انتظاری از پروردگار خود دارد و آن انتظار برآورده نمی‌شود، بنده ناامید شده و از پروردگار خود رویگرا می‌شود. ماده یأس نیز در زبان‌های مختلف سامی، معنای یکسان ناامیدی را دارد و با توجه به کاربردهای متنوع قرآنی آن، می‌توان اینگونه اظهار نظر نمود که معادل مطلق ناامیدی است.

۲- بنابر آنچه گفته شد، در مقام ارائه پیشنهاد برای ترجمه این کاربردهای قرآنی می‌توان اینگونه اظهار نظر نمود که اگر در ترجمه‌های قرآن کریم ذیل ماده قنط از اصطلاح «سرخوردگی- پشت کردن» استفاده شود بهتر است، چراکه این معادل می‌تواند معنای خاصی که برای آن حاصل شد را افاده کند. برای معنای یأس اما همان «ناامیدی» در نظر گرفته شود چراکه همانطور که توضیح آن گذشت، کاربردهای مختلف این ماده در قرآن کریم حاکی از معنای مطلق ناامیدی برای آن است.

کتاب‌نامه:

قرآن کریم.

- ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸م)، *جمهره اللغة*، بیروت: دار العلم للملایین.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱ق)، *المحکم و المحيط الأعظم*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابو عبید، قاسم بن سلام (۱۹۹۰م)، *الغریب المصنف*، تونس: بیت الحکمه.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ابوهلال عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق)، *الفروق فی اللغة*، بیروت: دار الافاق الجدیده.
- ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق)، *تهذیب اللغة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- بلاوی، رسول؛ ماهوزی، زهرا (۱۳۹۸ش)، «تحلیل اقتصاد زبانی در نامه‌های نهج البلاغه براساس نظریه نقش‌گرایی هیلیدی»، *پژوهشنامه علمی*، سال ۱۰، شماره ۲، ۱-۲۲.
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۲ش)، *ترجمه شناسی قرآن کریم*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- پاکتچی، احمد؛ افراشی، آریتا (۱۳۹۸ش)، *رویکردهای معناشناختی در مطالعات قرآنی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.



جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق)، *الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة*، بیروت: دار العلم للملایین.
 راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت: دار القلم.
 صاحب بن عباد، اسماعیل (۱۴۱۴ق)، *المحیط فی اللغة*، بیروت: عالم الکتب.
 صافی، محمود (۱۴۱۸ق)، *الجدول فی إعراب القرآن و صرفه و بیانه مع فوائد نحویة هامة*، دمشق: دار الرشید.

صفوی، محمدرضا (۱۳۸۸ش)، *ترجمه قرآن بر اساس المیزان*، قم: دفتر نشر معارف.
 طبری، محمد بن جریر (۱۳۵۶ش)، *ترجمه تفسیر طبری*، تهران: نشر توس.
 عبدالباقی، محمد فؤاد (۱۳۶۳ق)، *المجمع المفهرس فی ألفاظ القرآن الکریم*، قاهره: دارالکتب المصریة.
 فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، *العین*، قم: نشر هجرت.
 فولادوند، محمدمهدی (۱۴۱۸ق)، *ترجمه قرآن*، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
 قاسم پور، محسن؛ سلمان نژاد، مرتضی (۱۳۹۱ش)، «معناشناسی تدبر در قرآن کریم با تکیه بر روابط
 همنشینی و جانیشینی»، *صحیفه مبین*، سال ۱۸، شماره ۵۲.
 مشکینی اردبیلی، علی (۱۳۸۱ش)، *ترجمه قرآن*، قم: نشر الهادی.
 میبدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ش)، *کشف الاسرار و عدة الابرار*، تهران: امیر کبیر.
 نسفی، عمر بن محمد (۱۳۷۶ش)، *تفسیر نسفی*، تهران: انتشارات سروش.
 الهی قمشه‌ای، مهدی (۱۳۸۰ش)، *ترجمه قرآن*، قم: انتشارات فاطمه الزهراء.

Dolgopolsky, Aharon, (2008), *Nostratic Dictionary*, McDonald Institute for Archaeological Research.

Ehret, Christopher, (1995), *Reconstructing Proto-Afroasiatic (Proto-Afrasian): Vowels, Tone, Consonants and Vocabulary*, University of California.

Gesenius, William (1939), *A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament*, ed. F.A. Brown, London: Oxford.

Jastrow, Marcus (1903), *A Dictionary of the Targumim*, London: New York.

Klein, Ernest, (1995), *A Comprehensive Etymological Dictionary of The Hebrew Language For Readers of English*, Israel : University of Heifa.

Orel, Vladimir & Stolbova, Olga, (1987), *Hamito-Semitic Etymological Dictionary*, Leiden: Brill.

Payne Smith, R. (1957), *A Compendious Syriac Dictionary*. Oxford: Clarendon Press.

Bibliography:

The Holy Qur'an.

Abdol-Baqi, Muhammad Fouad (1970), *Al-Moajam Al-Mofahras le-Alfaze Al-Quran Al-Karim*, Dar Al-Kutub Al-Misria.

Abu al-Fatuh Razi, Hossein bin Ali (1990), *Rowz al-Jinnan and Ruh al-Jinan in Tafsir al-Qur'an*, Astan Quds Razavi.

Abu Hilal Askari, Hasan bin Abdullah (1995), *al-Farooq fi al-Legha*, Dar al-Afaq al-Jalida.

Abu Obeid, Qasim bin Salam (1990), *Al-Ghareeb al-Musnaf*, Beit al-Hakma.

Azhari, Muhammad bin Ahmad (2001), *Tahzeeb al-Logha*, Dar Ahyaya Al-Tarath al-Arabi.

Balawi, Rasul; Mahozi, Zahra (2018), "Analysis of Linguistic Economy in the Letters of Nahj al-Balagheh Based on the Theory of Halidi's Role Theory", *Alavi Research Journal*, Year 10, Number 2, pp1-22.

Dolgopolsky, Aharon, (2008), *Nostratic Dictionary*, McDonald Institute for Archaeological Research.

Ehret, Christopher, (1995), *Reconstructing Proto-Afroasiatic (Proto-Afrasian): Vowels, Tone, Consonants and Vocabulary*, University of California.

Elahi Qomshaei, Mehdi (2000), *translation of the Quran*, Fatemeh Al-Zahra Publications.

Farahidi, Khalil bin Ahmad (1991), *Al Ain*, Hijrat Publication.

Fooladvand, Mohammad Mahdi (1999), *translation of the Quran*, Department of Islamic History and Education Studies.

Gesenius, William (1939), *A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament*, ed. F.A. Brown, Oxford.

Ibn Doraid, Muhammad Ibn Hasan (1988), *Jamrah Al-Logha*, Dar Al-Alam Lalmlayin.

Ibn Faris, Ahmad Ibn Faris (1986), *Mujam al-Maqayis al-Laghi*, Maktoal al-Alam al-Islami.

Ibn Sideh, Ali Ibn Ismail (2000), *al-Mohkam va al-Mohit al-Azam*, Dar al-Kutub Al-Elamiya.

Jastrow, Marcus (1903), *A Dictionary of the Targumim*, New York.

Johari, Ismail bin Hammad (1983), *ai-Sihah: Taj al-Logha and Sihaha al-Arabiya*, Dar al-Alam Lamlayin.

- Klein, Ernest, (1995), *A Comprehensive Etymological Dictionary of The Hebrew Language For Readers of English*, Israel : University of Heifa.
- Maybadi, Ahmad bin Mohammad (1975), *Kashfo al-Asrar Va Oddato al-Abrar*, Amir Kabir.
- Meshkini Ardabili, Ali (1381), *Translation of the Qur'an*, al-Hadi Publishing.
- Nasafi, Omar bin Mohammad (1986), *Tafsir Nasafi*, Soroush Publications.
- Orel, Vladimir & Stolbova, Olga, (1987), *Hamito-Semitic Etymological Dictionary*, Brill.
- Pakatchi, Ahmad (1392), *translation of the Holy Qur'an*, Imam Sadiq University (AS).
- Pakatchi, Ahmed; Afrashi, Azita (2018), *Semantic Approaches in Quranic Studies*, Research Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Payne Smith, R. (1957), *A Compendious Syriac Dictionary*. Clarendon Press.
- Qasimpour, Mohsen; Salman Nejad, Morteza (2013), "The Semantics of Thought in the Holy Qur'an by Relying on Companionship and Succession Relations", *Sahifa Mobeen*, year 18, number 52.
- Ragheb Esfahani, Hossein bin Muhammad (1990), *Mofradato Alfaz Al-Qur'an*, Dar al-Qalam.
- Safavi, Mohammad Reza (2010), *translation of the Qur'an based on Al-Mizan*, Ma'arif Publishing House.
- Safi, Mahmoud (1990), *Al-Jadval fi Iarab Al-Quran va Sarfehi va Bayanehi ma Favaid Al-Nahviyya*, Dar Al-Rashid
- Sahib Ibn Abbad, Ismail (1990), *al-Mohit fi al-Logha*, Alam al-Kutub.
- Tabari, Muhammad bin Jarir (1960), *translation of Tafsir Tabari*, Tos publishing house.